



۳۱ جنوری ۲۰۱۶



داکتر عبدالرحمن زمانی

## قیام سال ۱۳۲۴ صافی های کُنر

(قسمت پانزدهم)

### ناکامی تلاش های صافی ها برای کنار آمدن با حکومت

بعد از شکست فاحش لوی تحت قومانده فرقه مشر سید صالح خان در دره دیوگل و عقب نشینی توام با تلفات سنگین قوای نظامی، رهبران صافی ها باز هم نه تنها خواهان مذاکره با حکومت بودند، بلکه تلاش نمودند تا از طریق جرگه با حکومت به تفاهم رسیده و به کشت و خون خاتمه دهند. آنها حتی حاضر بودند، بدون از قبولی مکلفیت اجباری عسکری، تمام شرایط دیگر حکومت را قبول کنند.

در سند استخباراتی انگلیس ها میخوانیم که «صافی های ولایت مشرقی از مقاومت سازمان یافته دست برداشته و سخت

The  
Safis in the Eastern Province have abandoned organised resistance, and are trying hard to come to terms with Government. They are however, still unwilling to accept Jadwal conscription, and Muhammad Daud Khan, who is conscious of the strength of his position, has so far refused to withdraw this demand, which remains the chief point at issue. Mir Salam, one of the leading Saffi insurgents, has now been persuaded to come to Jalalabad on a guarantee of safe conduct, while Muhammad Daud Khan has paid a visit to the capital to advise the maintenance of a firm attitude.

میکوشند با حکومت به تفاهم برسند. اما آنها هنوز هم مایل به قبولی خدمت عسکری جبری به اساس احصائیة نفوس نیستند. محمد داؤد خان با درک موقف قوی اش [حمایت هاشم خان صدراعظم] تا حال حاضر به عقب نشینی از خواستش، که کماکان عمده ترین نکته این معضله است، نمیباشد. میرسلام خان، یکی از متمردين عمده صافی ها به قید

Several reports in recent weeks have stated that the Premier's health continues to give cause for concern, and that his capacity for work is decreasing.

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

ضمانت حاضر شده به جلال آباد بیاید، در حالی که محمد داؤد خان از پایتخت بازدید نموده تا دوام برخوردار شدید [با صافی ها] را توصیه کند»<sup>1</sup>.

همین گزارش علاوه میکند که «رپور های متعدد هفته های اخیر راجع به خرابی صحت صدراعظم [هاشم خان] موجب نگرانی دوامدار بوده و ظرفیت کاری او رو به کاهش است»<sup>2</sup>.

are decreasing. Some corroboration of this story is afforded by the news that he is opposing the desire of his nephew, Muhammad Naim Khan, the Deputy Premier, to be appointed Afghan Minister in Washington in place of Abdul Hussain Khan, who has returned home on leave, on the grounds that his assistance in Kabul is now more necessary than ever. Another recent indication of the greater reliance now beginning to be placed on the younger generation of the Yahya Khel has been the deputation of *Firqa Mishar* Sardar Muhammad Daud Khan, Naim Khan's elder brother, to deal with the disturbances in the Eastern Province, the kind of mission usually entrusted to the War Minister in the past. The future stability of the regime may depend to a large extent on the abilities of these two brothers, and of their cousin, the King, and there is much interest in Kabul in their reaction to the increased responsibility now devolving on them.

رپور می افزاید که «اثبات این موضوع ارائه اخباریست که او با تقاضای برادرزاده اش محمد نعیم خان، معاون صدارت، که میخواهد به عوض عبدالحسین خان، که به کابل برگشته است، بحیث سفیر افغانستان در واشنگتن تعیین شود، بدلیلی که به کمک او در کابل از هر وقت دیگر نیاز بیشتر است، مخالفت میکند. نشانه دیگر آغاز این اتکای بیشتر بر نسل جوان یحیی خیل مؤلف ساختن فرقه مشر سردار محمد داؤد خان، برادر بزرگ نعیم خان، برای خاتمه دادن به ناآرامی های ولایت مشرقی میباشد، نوع ماموریتی که در سابق معمولاً به وزیر حربیه سپرده میشد. ثبات آینده رژیم [حاکمیت خاندان حاکم] تا اندازه زیادی به قابلیت این دو برادر و پادشاه، پسر کاکای شان، مربوط است. در کابل حالا علاقمندی دانستن عکس العمل بمقابل ازدیاد مسئولیت این دو نفر زیاد شده است»<sup>3</sup>.

جنرال میراحمد خان مولائی نیز در رابطه با تلاش های صلح صافی هامینویسد که «۱۳ اسد ۱۳۲۴: از اطرف اشرار اطلاع داده شد که با ما جرگه نمایند. کیفیت به قوماندانی عمومی [سردار داؤد خان] رسانیده شد. اجازه و امر دادند که من به جرگه نروم، عبدالله خان نایب الحکومه را بفرستم. لیل ۱۳ و ۱۴ منصبداران را خواسته مجلس کردیم و فیصله

1. گزارش استخباراتی شماره ۳۰، مؤرخ ۲۸ جولای ۱۹۴۵ انگلیس ها

2. همانجا

3. همانجا

د پانو شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

شد به معیت نایب الحکومه یکنفر کندکمشر، دو نفر تولیمشر و یکنفر هم عبدالله خان بلوکمشر، برادر ملک خان به تغیر لباس بروند. شکل جرگه این بود که سی نفر از طرف اشرار و سی نفر از طرف ما به قریه چوکی جمع شوند. برای فردا ترتیبات لازم گرفته شد... به روز مذکور پنج نفر صاحب منصب و بیست و پنج نفر افراد غیر مسلح به تغیر لباس، با نایب الحکومه فرستاده شد. نفری اشرار نیز غیر مسلح به قریه چوکی آمدند. الی ساعت ۱۶ جرگه دوام کرد. بعد نفری واپس آمدند»<sup>4</sup>. جنرال مولایی راجع به خواست های صافی ها مینویسد که «...گفته بودند: از ما نفوس و نفر قومی گرفته نشود، غله خریداری گرفته نشود، از نفری قومی ما که در کابل است، چهار نفر وزیر مقرر شود، اسلحه و اموال حکومت را که گرفته ایم پس میدهیم»<sup>5</sup>.

قابل یادآوریست که مردم کنر یکی ازین خواست را بشکل دیگری یادآور میشوند. آنها میگویند که خواست صافی ها این بود که به شمول ملک الله خان، چهار نفر از سران شان که در کابل زندانی هستند، آزاد شوند.

جنرال میراحمد خان می افزاید «نایب الحکومه گفته بوداین خواهشات شما از اختیارات ما خارج است، گرچه غیر ممکن است، با آن هم به مرکز مخابره میکنیم. از جرگه اشرار به قوماندانی عمومی خبر داده شد. [چون خواسته های آنها قبول نشد] عکس العمل جرگه را انتظار می کشیدیم. به قطعات امر داده شد که عموماً بصورت آماده باش باشند... شب ۱۶ و ۱۷ اسد ۱۳۲۴: به صورت ناگهانی صدا های عجیب و غریب از یک جمعیت بزرگ شنیده شد و متعاقب آن فیر های شدید از طرف اشرار بالای عموم قلعه هایی که عسکر ها سکونت داشتند، اجرا شد... فردا راپور ۶۰ نفر کشته و ۲۱۶ نفر مجروح بود. مجروحینی که خفیف تر و قابل علاج بودند خود را به منطقه اشرار رسانیده بودند. یک تعداد مرد های پیر، بچه ها و زن ها چهارپایی ها آورده، امر کردم زخمی های شانرا نیز به آنها بسپارند»<sup>6</sup>.

به اساس راپور انگلیس ها سردار داؤد خان تقاضای یک جرگه دیگر صافی هادر شیوه را هم رد نموده و به همان خواسته های اولی اش پافشاری مینمود. وی ونائب الحکومه سمت مشرقی از جرگه خواسته بود تا موارد آتی را بدون قید و شرط قبول کنند:

- (a) Jadwal recruitment must be accepted.
- (b) All Safi hostiles and Gendarmerie deserters must surrender, bringing in captured rifles with them.
- (c) All damage to posts, roads and bridges must be repaired by Safi forced labour.
- (d) In return, Government will release Safi prisoners and withdraw some, if not all, of the Kabul Army Corps.
- (e) Until peace is made, the arrest of suspects and destruction of the houses of attackees will continue.

a. مکلفیت اجباری عسکری بایدقبول شود.

4 . جلد دوم خاطرات جنرال میراحمد خان مولایی، ، ص ۴۹۲.

5 . همانجا

6 . جلد دوم خاطرات جنرال میراحمد خان مولایی، ، ص ۴۹۳.

د پانو شمیره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

- b. تمام صافی های مخالف و ژاندارمری [قوای امنیتی] فراری باید تسلیم و اسلحه را که به غنیمت گرفته اند، باخود بیاورند.
- c. تمام پایه های تلفون ، سرک ها و پل هانیکه خساره دیده اند، باید توسط صافی ها با کار اجباری [بدون مزد] ترمیم شوند.
- d. متقابلاً حکومت زندانیان [گروگانان] صافی را آزاد ساخته و یک قسمتی از قوای مرکز کابل، نه تمام آن عقب نشینی خواهد کرد.
- e. تا اعلام صلح دستگیری افراد مشتبه و تخریب خانه های مخالفین ادامه خواهد داشت<sup>7</sup>.

### تقرر پاچا گل بحیث اختیار دار و تقریباً رئیس تنظیمیه

جنرال میر احمد خان در خاطرات شان از رسیدن یادداشت تاریخی هشت اسد به خط سردار داؤد خان یادآور شده مینویسد که «امر داد که در امور با پاچاگل خان مشوره کنم. تقریباً مشوره داد[ن] و امر او نافذ است .

#### متن یادداشت قلمی سردار داؤد خان راجع به پاچاگل

ع ش فرقه مشر صاحب !

تماماً کیفیت و احوالات را جناب پاچاگل جان مفصلاً بیان نمود و از تمام واقعات استحضاری حاصل گردید. چیزیکه قابل گفتن بود و نظریه قطعی میباشد، مفصلاً به جناب پاچا گل جان فهماندم . بنابراین در آینده تمام اجراءات آنده خود به انتهای دوراندیشی، صبر حوصله و تحمل باید باید کار بگیریید. از جمله پنجاه هزار افغانی که با خود برده اید، لطفاً بیست هزار آنرا به تحویل شخص ش عبدالملک خان رئیس تفتیش قوای مرکز بنمائید تا برای مصارفی که به او امر داده شده است مصرف نماید و حسابات آنرا رأساً برای خودم بفرستد.

از کارات و اجراءات عبدالرزاق پاچا باید از طرف من تشکر نمائید و همیشه رأساً خود شما با او در تماس باشید. بعضی نظریاتیکه میگویند و یا می نویسند، بدون اینکه خود شان حس کند، باید در اطراف آن همراهی پاچا گل هم طور خصوصی مشوره نمائید.

راجع به برادر ماموند و دیگر محبوسینیکه همراهی میر آغا جان آورده شده، چون تماماً به اعتبار شخص پاچاگل میباشد، بنابراین راجع به آن برای اینکه نباید درین وقت اعتماد پاچاگل صاحب هم از حکومت خلاص [شود] باید به مشوره و نظریه ایشان اجرا نمائید. یعنی اگر به اعتبار او رهائی میر آغا جان و دیگر محبوسینی که همراه او آورده شده از طرف پاچاگل تقاضا شود، باید به اعتبار و اینکه بالای حکومت بدگمان نشود، رها گردند.

راجع به وضعیت و سکونت قطعات با پاچاگل مشوره نمودم و درین موضوع برایش فهماندم. کوشش نمائید تا آهسته آهسته بدون اینکه کسی حس کرده بتواند، همان ترتیب گرفته شود هم در نورگل و در چوکی.

باقی کامیابی و مؤفقت دارین شما را از خداوند بزرگ تمنا دارم .

(محل امضا سردار داؤد خان)

7 . گزارش استخباراتی شماره ۳۰، مؤرخ ۲۸ جولای ۱۹۴۵ انگلیس ها

د پانو شمیره: له 4 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

عمیران ۴۰-۱۰۰ یارگی  
۲۴/۵/۹



دولت اسلامی  
موسسه

تاریخ ۱۳۲۴

یادداشت

۴۰۰

۴۰۰ فرته کرباب!

تو کیفیت وادارو کس خوب باو چو کس نغصه  
بیان نمود دار تام دانعات برتفاری هر سره دینه  
فریه تا برکتی بود و تو یه قلمی می بیسته نغصه  
صاحب باو چو کس جان نهانم با برودنا دار کند تام لورات  
تا قه رفرودت با سرور باو چو کس با به لورات درودت

د پانو شمیره: له 5 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

آنگه فر به آینه‌ای دور اندیشی ، هر عهد و پیمان با ما ،  
 ز عهد بنام خور و زنا که با خود برود ، لطف سحرآمیز  
 بست خور و زنا را به قوس سحرآمیز ، که در کف دست سحرآمیز  
 ترا از خانه تا به بیرون ، بیاورد ، که در هر دردی که بخواهد  
 خانه و حساب آن در هر راهی که بخواهد ، فراموش شده .  
 ز هر دردی که در او رخ بیاورد ، با ما به از طرفین که در خانه  
 در هر راهی که بخواهد ، در هر راهی که بخواهد ، لطف سحرآمیز  
 در هر راهی که بخواهد ، در هر راهی که بخواهد ، لطف سحرآمیز  
 در هر راهی که بخواهد ، در هر راهی که بخواهد ، لطف سحرآمیز .  
 با ما به برادر ما ، در هر راهی که بخواهد ، هم او را می‌آید آورد .

د پانو شمیره: له 6 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
 یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

خبرون ۱۰۴۰ مارچ ۱۹۹۴



۱۳

تاریخ

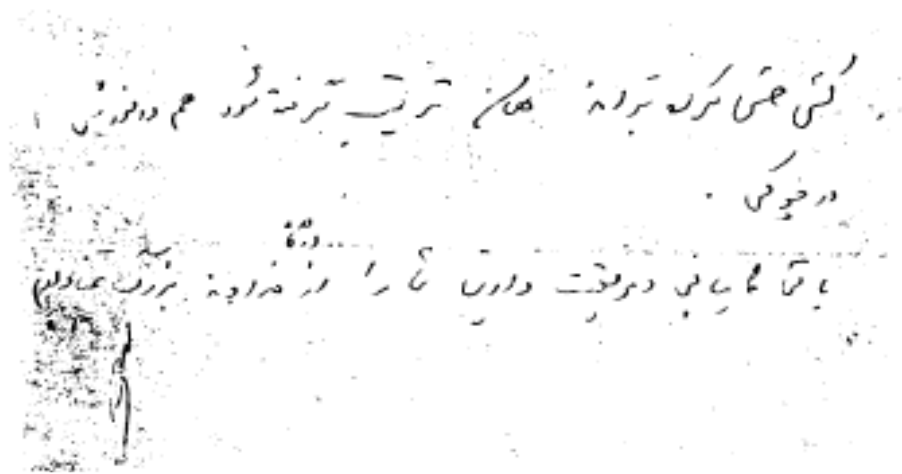
یادداشت

چون تاتا به تبار شمس با جامه صلح بیاورن راجه آید  
برای آنچه دند بیا به درون وقت اعتماد با جامه صلح  
تسلیم شد از حکومت مقدس بیا به سرور و ثنوت از  
لغات نامه این آید به تبار او روی صلح میران به ددیر میگوین  
که هر دو اد آورده از طوب با جامه صلح خاورد بیا به تبار ددیر  
باید حکومت به همان شود را کردند .

راج به و صفت و حکومت تعلات با جامه صلح مشوره مردم و درون  
مخضع بر دین بنام کوش نامه تا آفته آفته بدون آید

د پانو شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ



فرقه مشر میر احمد خان بعد از ناکامی و شکست سردار داؤد خان بمقابل صافی ها که بعداً ذکر خواهد شد، در جمع بندی از عوامل شکست حکومت به مقابل قیام صافی ها از غرور و خود راضی بودن و بی خبری مقامات یاد آوری نموده و راجع به نقش منفی این اقدام سردار داؤد خان مینویسد که<sup>8</sup> :

کنندک مذکور را کبک شکار کردند.

۴ - وقتی که سردار محمد داود خان مجبور شد که مرا دفعه‌ی دوم به قوماندانی مفرزه تعیین کند و سید صالح خان را پس بخواهد و همان روز پاچاگل خان را به حیث اختیاردار و تقریباً رئیس تنظیمه مقرر نمود، مصرف پول را به تحت نظر ملک خان قرار دادند. باز هم دست و بازوی مرا بسته کرده بود، اما تحمل من بود که به فضل خداوند ریاست تنظیمه‌ی پاچاگل خان خود به خود از بین رفت و ملک خان هم به اطاعت مجبور شد.

باید بگویم که سردار محمد داود خان فکر نکردند که یک نفر مرموز مانند پاچاگل خان که نزد من از یک مخبر انگلیس بیشتر موقوف نداشت، تمام اسرار قوا و حرکات خود را به او بسپارد و ملک خان نیز به امر او پول برای نفر سرحدی بدهد و در تمام سرحد یک شور و صدا پیدا شد. در نتیجه خوگاخیل ها به نسبت پاچاگل حرکت ناجایز خود را شروع کردند، چرا که با پاچاگل و ملک امین خان مخالف بودند!

(ادامه دارد)